بازخوانی تفسیر راز افشا شده در آیه سوم سورۀ تحریم با تأکید بر سیاق و روایات تفسیری اهل بیت ـ محمدرضا شاه سنایی، عباس اسماعیلی زاده
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال نوزدهم، شماره ۷۳ «ویژه پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۵۰-۱۶۸

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

بازخوانی تفسیر راز افشا شده در آیه سوم سورۀ تحریم با تأکید بر سیاق و روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام

محمدرضا شاه سنایی*
عباس اسماعیلی زاده**

چکیده: این مقاله در بارۀ راز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و افشای آن توسط یکی از همسران ایشان در آیه سوم سوره تحریم است که معرکۀ آراء مفسران شده است. افشای این راز در همین سوره، سبب شده است که خداوند به نحو بی‌نظیری از رسولش دفاع کند. روایات شأن نزول مورد استناد مفسران اهل سنت و مفسران شیعه متأثر از منابع اهل سنت، نه تنها از پیچیدگی این راز نکاسته، بلکه موجب انتساب نسبت‌های ناروایی به مقام رسالت گردیده است. نگارنده با معیار قرار دادن سیاق حاکم بر آیات آغازین سوره تحریم و بررسی روایات وارده در شأن نزول، به شأن نزولی دست یافته که تا قرن پنجم مورد توجه عالمان شیعه بوده و پس از آن مورد غفلت واقع شده است. در این شأن نزول، منظور از راز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه‌السلام از جانب خداوند، و اقدامات دیگران در کنار زدن ایشان از خلافت معرفی شده است. در این روایات، علاوه بر حفظ شأن و عصمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، ارتباط بین راز مذکور با عبارت ﴿صالح المومنین﴾ و همچنین علت واکنش شدید پروردگار در مقابل افشای آن بیان شده است.

*. استادیار مدرسی معارف اسلامی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد
**. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد esmaeelizadeh@um.ac.ir

کلیدواژه‌ها: راز؛ پیامبرﷺ؛ همسران پیامبر؛ صالح المومنین؛ امیرالمؤمنین؛ آیهٔ سوم سورهٔ تحریم.

مقدمه و طرح مسأله

تفسیر آیه سوم تحریم همواره معرکهٔ آراء مفسران بوده است. قرآن کریم می‌فرمایند:

﴿وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِی إِلی بَعْضِ أَزْواجِهِ حَدِیثاً فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَیهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَها بِهِ قالَتْ مَنْ أَنْبَأَکَ هذا قالَ نَبَّأَنِی الْعَلِیمُ الْخَبِیر(۳) إِنْ تَتُوبا إِلَی اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُما وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَیهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِیلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِینَ (٤)﴾

در این آیه سخن از رازی است که رسول خداﷺ با یکی از همسرانش در میان می‌گذارد. همسرش با وجود آگاهی از لزوم حفظ آن راز، به افشای آن (برای یکی دیگر از همسران) می‌پردازد. اهمیت موضوع و تبعات افشای راز تا بدان جا است که پروردگار، رسولش را از آن آگاه نموده و آن دو زن را تهدید می‌کند که اگر توبه ننمایند، و به اقدامات ضد آن حضرت ادامه دهند، با خداوند و جبرئیل و ﴿صالح المومنین﴾ و دیگر ملائکه طرف هستند.

اثرگذاری برخی روایات ساختگی در ارتباط با شأن نزول این آیات، موجب شده که تعداد زیادی از مفسران، از ظاهر و سیاق این بخش از آیات غفلت کنند و در نتیجه، آیه از شکل یک آیهٔ محکم به یک آیهٔ متشابه تبدیل شود و نسبت‌های نادرستی به ایشان بدهند که با شأن و عصمت حضرت رسول خداﷺ ناسازگار است.

شخصیتی معصومی را که در قرآن کریم با اوصافی همچون ﴿وما ینطق عن الهوی﴾ (نجم:۴)، ﴿خلق عظیم﴾ (قلم:۴) و ﴿اسوه حسنه﴾ (احزاب: ۲۱) توصیف شده، به راحتی تحت تأثیر توطئه‌ها می‌دانند که فریب می‌خورد. او برای رضایت برخی از همسران، از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

حقّ برخی همسران دیگر چشم می‌پوشد؛ شخصیتی که برای ارضای عجولانهٔ مسائل جنسی مجبور به باج دهی به برخی همسرانش می‌گردد! (سیوطی، ۱۴۰۴، ج۶، ص۲۴۱)

امّا دقت در سیاق آیات آغازین سوره تحریم، موجب می‌شود که بسیاری از روایات موجود، مخالف ظاهر و سیاق و همچنین مخالف عصمت رسول خداﷺ تشخیص داده و طرد شوند.

حضرت رسول خداﷺ یکی از ملاک‌های مهم تشخیص صحت یا عدم صحت احادیث را موافقت یا مخالفت با قرآن می‌دانند. (کلینی،۱۴۰۷، ج۱، ص۶۹؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص۹)

این پژوهش به منظور رفع ابهام از آیه فوق، با تکیه بر سیاق آیات سوره تحریم و ارزیابی روایات وارده در شأن نزول آیه ۳و ۴، به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

الف. راز افشا شده چه بود؟

ب. چرا عمل آن دو همسر رسول خداﷺ در افشای راز به مثابهٔ جنگ با خداوند و جبرئیل و ﴿صاح المومنین﴾ و سایر فرشتگان دانسته شد؟

ج. منظور از ﴿صالح المومنین﴾ کیست؟ و چه ارتباطی بین افشای راز و این شخص وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

در خصوص آیه مذکور در کتب تفسیری فریقین به این آیات پرداخته شده؛ ولی تمرکز بر سه شأن نزول با منشأ روایی اهل سنت (حتی در منابع شیعی) موجب غفلت از توجه به سیاق آیات و حتی غفلت از شأن نزول‌های موجود در کتب متقدم شیعه گشته است. این موجب شده که نه تنها به پرسش‌های مذکور پاسخی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

داده نشود، بلکه این راز در حد یک حسادت زنانه و.... تلقی شود و موجب اهانت به مقام رسالت گردد.

در پژوهش‌های انجام شده درباره این موضوع نیز به پرسش‌های مذکور پاسخ مناسبی داده نشده است.

در مقاله «نقد و بررسی دیدگاه‌های موجود درباره افشای راز پیامبرﷺ در آیات ابتدایی سوره تحریم» بر اساس روایات مشهور (در منابع شیعه و اهل سنت) که همگی با منشأ منابع اهل سنت هستند، نتیجه گرفته که در منابع شیعه، شأن نزول مستقلّی از منابع اهل سنت وجود ندارد. این مقاله یکی از همان روایات را (علی رغم مخالفت با سیاق آیات و شأن رسول خداﷺ) به عنوان شأن نزول آیه پذیرفته است. (حسینی فاطمی، سیدعلی:۱۳۸۵) در مقالهٔ «سرّ نهفته در آیه سوم سوره تحریم با توجه به اسباب نزول در تفاسیر شیعه و سنی» (کیانوش نریمان روند) همان روند مقاله قبلی طی شده است. در مقالهٔ «نقد و ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم» (خامه‌گر، محمد،۱۳۹۲) ضمن بررسی روایات مذکور، به درستی به عدم تطابق این روایات با شأن رسول خداﷺ پی برده و چنین نتیجه گرفته که هیچ یک از روایات تفسیری نمی‌تواند سبب نزول سوره تحریم باشد. مقاله «جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم» (عبدالهادی فقهی زاده و محمد برزگر، حدیث پژوهی، شماره ۱۷) نیز مانند مقاله قبلی، ضمن بررسی روایات مذکور، به نادرستی روایات مذکور در عدم تطابق با سیاق آیات و شأن رسول خداﷺ پی برده است. البته دو مقاله اخیر نسبت به دو مقاله اولی، از استحکام زیادی برخوردار بوده و توانسته نادرستی روایات مذکور را اثبات و بیان نمایند؛ ولی غفلت از شأن نزول‌های موجود در منابع متقدم شیعه (تا قرن پنجم) موجب شده که در این دو مقاله نیز نتواند با استناد به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

منابع معتبر، پاسخ مناسبی برای مراد از «سرّ افشا شده در این آیات» و سایر پرسش-های مذکور ارائه دهد.

نقطه قوت این مقاله در دست یافتن به روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام است که در آن منظور از «راز افشا شده در آیه» را بیان می‌دارد. تفسیر مذکور، علاوه بر همگونی با سیاق آیات، با شخصیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز تناسب دارد و به شخصیت آن حضرت جسارتی نشده است. این روایات تفسیری در منابع معتبر دانشمندان بزرگ شیعه همچون شیخ مفید، شیخ طوسی و شیبانی موجود است.

در این پژوهش، ابتدا روایاتی مورد ارزیابی قرار گرفته که به عنوان شأن نزول آیه در تفاسیر اهل سنت و تفاسیر شیعه متأثر از آن مطرح است، سپس روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام- به عنوان دیدگاه چهارم و برگزیده- ارائه و ارتباط آن با سیاق آیات، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. بررسی روایات وارده در منابع فریقین.

در منابع اهل سنت در روایات متعدد، سه جریان متفاوت در بارهٔ علت راز گویی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به یکی از همسرانش و افشای آن ذکر شده است. برخی از این گزارش‌ها عیناً و برخی با اندکی تغییر در برخی از منابع شیعه منعکس شده است. در این مبحث، ابتدا این سه جریان بررسی می شود که سبب نزول آیات اولیه سوره تحریم است و پس از آن روایات مختصّ به منابع شیعی مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱-۱. حسادت زنانه و فریب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

حسادت زنانهٔ برخی از همسران (عائشه و حفصه) نسبت به حضور طولانی‌ترِ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در منزل زینب بنت جحش یا امّ سلمه به علت میل نمودن عسل، موجب شده تا حفصه و عائشه با طرح ریزی نقشه‌ای آن حضرت را از عسل مذکور

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

متنفر و مانع از حضور بیشتر آن حضرت در منزل ام سلمه یا زینب گردند. هنگامی که پیامبرﷺ نزد زینب بنت جحش می‌رفت، او آن حضرت را نگاه می‌داشت و از عسلی خدمت آن حضرت می‌آورد که تهیه کرده بود. این توقف رسول خداﷺ برای نوشیدن شربت عسل در منزل زینب بر عایشه و حفصه گران آمد و آن دو با هم قرار گذاشتند با اجرای نقشه‌ای آن حضرت را نسبت به شربت عسل مذکور بدبین کنند و از توقف ایشان در منزل زینب مانع شوند؛ لذا قرار گذاشتند که هر وقت پیامبرﷺ بعد از منزل زینب، نزد یکی از آنها آمد، فورا بگوید آیا "مغافیر" [که بوی نامناسبی دارد] خورده‌ای؟! به این ترتیب روزی پیامبرﷺ نزد حفصه آمد. او این سخن را به پیامبرﷺ گفت. حضرت فرمود: من"مغافیر" نخورده‌ام، بلکه عسلی نزد زینب بنت جحش نوشیدم، و من سوگند یاد می‌کنم که دیگر از آن عسل ننوشم. (قرطبی،۱۳۶۴ ق، ج۱۸، ص۱۷۷)

در منابع اهل سنت درباره صاحب عسل اختلاف نظر وجود دارد و از ام سلمه، حفصه و یا یک کنیز نیز نام برده شده است. در برخی از منابع ذکر شده که آن حضرت پس از فریب خوردن توسط عائشه، قسم یاد کرد که دیگر نزد آن همسرش نرود و از عائشه خواست که کسی را از این قضیه مطلع نکند. (سیوطی،۱۴۰۴، ج۶، ص۲۴۱)

۲-۱. باج دهی به برخی همسران:

الف. حرام نمودن ماریه بر خودش.

در برخی از منابع اهل سنت، مخاطب راز، حفصه است و زمینهٔ صدور راز مذکور نیز "کسب رضایت حفصه" عنوان شده است:

«رسول اکرمﷺ روزها را بین زنان خود قسمت کرده بود. اتفاقاً یک روز نوبت حفصه بود. گفت: یا رسول اللّه! اجازه فرما تا خدمت پدرم روم. پس از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

آنکه رخصت گرفت و رفت، پیامبر اکرمﷺ ماریهٔ قبطیه را طلبید. وقتی حفصه بازگشت، درب اطاق را بسته دید. همانجا نشست تا رسول اللّه از حجره بیرون آمد و عرق از پیشانی و روی مبارکش می‌چکید. حفصه پس از آنکه از قضیه مطلع گردید، به گریه افتاد و گفت: یا رسول اللّه! کنیز را به خانهٔ من آوردی و با او خلوت فرمودی و حرمت مرا نگاه نداشتی و با هیچ یک از زنان دیگر خود چنین ننمودی. حضرت فرمود: ای حفصه! این کنیز من است و خدای تعالی وی را بر من مباح گردانیده است. من برای رضای تو او را بر خود حرام نمودم، لکن این سخن سرّی است و پیش تو امانت باشد و باید به کسی اظهار ننمایی. حفصه پذیرفت؛ لکن چون بین او و عایشه دوستی بود، در پس دیواری که میان خانه او و خانه عایشه بود، مشت به دیوار زد و گفت: ای خواهر! مژده باد بر تو که رسول اللّهﷺ ماریه را بر خود حرام گردانید و ما از تشویش او راحت شدیم». (ثعلبی،۱۴۲۲، ج۹، ص۳۴۵؛ فخررازی،۱۴۲۰، ج۳۰، ص۵۷۰؛ سیوطی،۱۴۰۴، ج۶، ص۲۴۱)

در برخی از منابع اهل سنت نیز به این گونه نقل شده است که حفصه دید در روز نوبت عائشه، آن حضرت با کنیزش در اتاق او نزدیکی نموده است؛ لذا به آن حضرت اعتراض کرده و آن حضرت نیز برای جلب رضایت او قسم می‌خورد که او را راضی کند و در عوض کتمان این قضیه از عائشه، رازی را با او در میان می‌نهد و از می‌خواهد که با کسی از آن راز سخن نگوید. (طبری،۱۴۱۲ ق، ج۲۸، ص۱۰۱)

ب. حرام نمودن ماریه و خبر از حکومت ابوبکر و عمر

در برخی دیگر از گزارش‌های موجود در منابع اهل سنت، رسول خداﷺ برای کسب رضایت حفصه و حق‌السّکوت او، علاوه بر حرمت ماریه بر خودش، خبر از حکومت ابوبکر و عمر می‌دهد و از او می‌خواهد این دو مطلب را برای کسی بیان نکند. (ثعلبی،۱۴۲۲، ج۹، ص ۳۴۵؛ فخررازی،۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۷۰؛ سیوطی،۱۴۰۴، ج۶، ص ۲۴۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

در برخی ازمنابع شیعه نیز باج دهیِ حضرت به حفصه، مانند منابع اهل سنت بیان شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰، ص۴۷۲) در برخی دیگر با اندکی تفاوت آمده است. در تفسیر قمی ذیل آیه سوم سورهٔ تحریم آمده است:

«رسول اکرمﷺ روزها را بین زنان خود قسمت کرده بود. اتفاقاً یک روز نوبت حفصه بود. گفت: یا رسول اللّه! اجازه فرما تا خدمت پدرم روم. پس از آنکه رخصت گرفت و رفت، پیمبر اکرمﷺ ماریه قبطیه را طلبید و در خانه حفصه با او خلوت نمود. حفصه پس از اینکه از قضیه مطلع گردید، گفت: یا رسول اللّه! در روز من و در اتاق من و بر تخت من با او خلوت نمودی؟ آن حضرت از حفصه خجالت کشید و فرمود: من برای رضای تو، او را بر خود حرام نمودم و سرّی را با تو گویم که اگر افشا کنی، لعنت خداوند و ملائکه بر تو خواهد بود. راز این است که ابوبکر و پدر تو (عمر) پس از من به حکومت می‌رسند. حفصه گفت: چه کسی تو را از این امر آگاه ساخته است؟ حضرت پاسخ فرمودند: خداوند. حفصه عائشه را از این راز آگاه کرد، عائشه به پدرش خبر داد، ابوبکر نیز عمر را مطلع نمود و گفت: عائشه چنین خبری به من داده، ولی من از آن مطمئن نیستم. عمر به نزد دخترش حفصه آمد و در بارهٔ آن پرسید. حفصه در ابتدا انکار کرد. عمر به او گفت: اگر چنین چیزی حقیقت دارد، بگو تا در آن پیشقدم شویم. حفصه نیز خبر را تایید کرد... . (قمی، ۱۳۶۳، ج۲، ص۳۷۶)

۳-۱. آگاه نمودن عائشه از وضعیت خلافت پس از آن حضرت

در برخی از منابع اهل سنت بدون ذکر هیچ گونه علت و زمینه‌ای، عنوان شده که رسول خداﷺ عائشه را از زمامداری پدرش ابوبکر آگاه کرد و از او خواست که آن را برای کسی نگوید، ولی عائشه به حفصه خبر داد. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج۶، ص۲۴۱) در برخی از منابع شیعی نیز گزارش مذکور به شکل زیر منعکس شده است:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

«سعید جبیر گفت: از عبد اللّه بن عبّاس در باره راز سوال کردم. او پاسخ داد: سرّ آن بود که رسول- ﷺ- یک روز عایشه را گفت: من با تو سرّی دارم، خواهم گفت، نگر تا با کس نگویی و این امانتی است مرا بنزدیک تو. گفت: آن چیست؟ گفت: پدر تو و پدر حفصه، از پسِ من امامت خواهند کرد، و پس از ایشان عثمان. در حال که رسول- ﷺ- از خانه بیرون رفت. او دیوار حفصه بکوفت و او را خبر داد و او دیگری را خبر داد.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج۱۹، ص۲۹۲)

در گزارش مذکور به زمینهٔ صدور چنین رازی اشاره نشده است.

۲. ارزیابی روایت های مذکور

۲-۱. حسادت زنانه و فریب رسول خدا ﷺ

این گزارش از چند جهت با عصمت رسول خدا ﷺ سازگار نیست.

الف. چگونه ایشان متوجه نمی‌شوند که آن عسلی که میل نموده‌اند، بوی نامطبوعی ندارد و به حسّ بویایی خود اعتمادی ندارد و تسلیم توطئه آن دو زن می‌گردد؟

ب. چگونه شخصیتی که به ﴿خلق عظیم﴾ (قلم/۴) متّصف شده (بر فرض بوی نامطبوع عسل) آن همسر را از حقوق همسریش منع می‌کند؟!

ج. آیا این قضیه شخصی (ارتباط با همسران) و اقدام به افشای چنین رازی، آن قدر اهمیت دارد که به مثابه مقابله با خداوند و جبرئیل و ﴿صالح المومنین﴾ و سایر فرشتگان دانسته شده است؟!

د. ارتباط بین عبارت ﴿صالح المومنین﴾ با راز افشا شده چیست؟

۲-۲. باج‌دهی به حفصه

این گزارش نیز از چند جهت با اشکال مواجه است.

الف. توهین و جسارت به آن حضرت است؛ زیرا در روایات مذکور شخصیت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

ضعیف النفسی از آن حضرت به تصویر کشیده شده که (نستجیر بالله) در مسائل شهوانی کفّ نفس ندارد و آن قدر عجولانه عمل می‌کند که نمی‌تواند منتظر بماند تا حفصه برگردد و با او خلوت کند، بلکه بدون اجازه وارد خانه او شده و با همسر دیگری خلوت می‌کند.

ب. از آن حضرت شخصیتی ترسیم شده که پس از انجام کاری نادرست، مجبور به پرداخت حقّ السکوت می‌گردد.

ج. سلب حقوق همسری، جهت رضایت و حق السکوت همسر دیگر، رفتار ظالمانه ای تلقی می‌شود که با شأن آن حضرت سازگار نیست.

د. آیا این قضیه شخصی (ارتباط با همسران) و اقدام به افشای چنین رازی آن قدر اهمیت دارد که به مثابه مقابله با خداوند و جبرئیل و ﴿صالح المومنین﴾ و سایر فرشتگان اعلام شده است؟!

ه. ارتباط بین عبارت ﴿صالح المومنین﴾ با راز افشا شده مشخص نشده است.

۳-۲. خبر از خلافت ابوبکر و عمر

از جمله مواردی که در منابع به عنوان «راز افشا شده» بسیار پررنگ است (چه به عنوان حقّ السکوت به حفصه و چه به عنوان یک راز بین آن حضرت و عائشه)، خلافت ابوبکر و عمر می‌باشد.

بازتاب این قضیه در منابع اهل سنت تا بدان جاست که برخی از مفسران اهل سنت، از آن به عنوان مبنای قرآنی حقانیت خلافت ابوبکر و عمر سخن گفته‌اند (انّ الحدیث الذی أسرّه هو أنّ أبابکر و عمر یلیان الأمر من بعده، فهو أصل فی خلافتهما. (سیوطی، ۲۰۰۷، ص۲۶۹؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰،ج۷، ص۱۳۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج۱۴، ص۳۶۵)

آلوسی با استناد به روایات مذکور در مجمع البیان و تفسیر عیاشی مدعی می‌شود که اگر شیعه صحت این اخبار را مسلم بداند، لازمهٔ آن این است که قائل به صحّت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

خلافت ابوبکر و عمر باشد، به خاطر ظهور در مطلبی که مخفی نیست. (آلوسی، ۱۴۱۵، همان)

البته نقل روایات تفسیری مورد پذیرش اهل سنت در منابع شیعه، به معنای پذیرش آن نیست، ولی سؤال اساسی این است که اگر واقعاً مراد از راز مذکور در آیه، خلافت ابوبکر و عمر و بشارت بدان باشد، چرا باید تا این حد با واکنش پروردگار مواجه شود و به مثابهٔ مقابله با پروردگار و.... محسوب گردد؟ (با توجه به اینکه در روایات موجود، ذکر شده که تنها این دو تن توسط دخترانشان عائشه و حفصه از آن مطلع شدند، نه دیگران، تا منافع ایشان به خطر بیفتد).

۳. مسألهٔ جانشینیِ بلافصل امام علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)

بررسی منابع روایی و تفسیری شیعی تا قرن پنجم، حکایت از این دارد که تا این عصر، روایاتی از اهل بیت(علیهم‌السلام) مورد توجه بوده که از قرن ششم به بعد مورد غفلت واقع شده است. در این روایات، منظور از راز، دستور الهی بر جانشینی علی(علیه‌السلام) و کنار گذاردن ایشان از این مقام الهی از طریق غلبه بر او است.

شیبانی از امام باقر و امام صادق(علیهما‌السلام) چنین روایت می کند:

«رازی است که با عائشه در میان گذاشت. آن راز این بود که پروردگار به ایشان دستور داده که پسر عمویش علی(علیه‌السلام) را به عنوان جانشین بلافصل معرفی کند و او را برادر و وصیش قرار دهد؛ ولی پدر تو و یارش [عمر] با غلبه بر او حکومت را در دست خواهند گرفت. عائشه [دختر ابوبکر]، حفصه [دختر عمر] را از این راز باخبر نموده و حفصه نیز پدرش را از این راز آگاه ساخت. اینان همگی با هم پیمان بستند که وقتی رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) درگذشت، نگذارند علی به قدرت رسد. (شیبانی، ۱۴۱۳، ج۵، ص۲۰۹)

شیخ مفید با استناد به کلام امام باقر(علیه‌السلام) منظور از راز را به شرح ذیل بیان می‌کند: «منظور از رازی که رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) با عائشه در میان گذاشت، این بود که خداوند

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

به او وحی نموده که امیرالمؤمنین علیه السلام را جانشین خود قرار دهد. ولی قلب آن حضرت به تنگ آمد، از علم به کینه و حسد و دشمنی قریش با علی و نگرانی از فتنه ای که به زودی دامن دین را می گیرد. آن حضرت از عائشه تعهد گرفت که در باره این راز با کسی سخن نگوید، ولی او پیمان شکست و حفصه را از آن آگاه ساخت و به حفصه دستور داد تا پدرش [عمر] و ابوبکر را از آن آگاه نماید. همین افشای راز منجر به دسیسه‌ها علیه علی علیه السلام گردید، تا بدانجا که این گروه با هم پیمان بستند که پس از رحلت پیامبر، نگذارند کسی از اهل بیت از او ارث برد یا به مقامی رسد. پس پروردگار رسولش را از این توطئه آگاهی داد. به دنبال آن، حضرتش عائشه را در این زمینه بازخواست کرد و قسمتی از اقدامات آنها را بیان فرمود. البته از بیان اینکه از تمام اقداماتشان با خبر است، چشم پوشید. (مفید،۱۴۱۳، ص۷۹)

شیخ طوسی نیز منظور از راز را سخن از اقدامات قریش بر ضد علی علیه السلام و کنار زدن ایشان از خلافت دانسته که به عنوان راز به عائشه گفت و او هم به پدرش بشارت داد. (طوسی، ج۱۰، ص۴۸-۴۷)

۱-۳. بررسی شأن نزول چهارم (جانشینی امیرالمؤمنین):

قبل از بررسی این شأن نزول، باید سیاق آیات سوره تحریم به ویژه ارتباط آیات ۳ و ۴ بررسی شود. در آیه سوم سخن از موضوع بسیار مهمی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان یک راز با یکی از همسران مطرح نموده است: ﴿وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِی إِلی بَعْضِ أَزْواجِهِ حَدِیثاً﴾. آن همسر به افشای آن نزد یکی دیگر از همسران می پردازد: ﴿فَلَمَّا نَبَّأَتْ به﴾. اهمیت افشای این راز و پیامدهای آن به گونه‌ای است که پروردگار، رسولش را از آن مطلع نمود: ﴿وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَیهِ﴾، و از آن دو زن می‌خواهد توبه کنند و دست از اقدامات خود بر دارند: ﴿إِنْ تَتُوبا إِلَی اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُما﴾. در غیر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

این صورت با خداوند، جبرئیل، ﴿صالح المومنین﴾ و سایر فرشتگان طرف هستند: ﴿وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلائِكَةُ بَعْدَ ذلِكَ ظَهِير﴾ (گویی اقداماتی انجام داده‌اند که در حکم جنگ با خداوند، جبرئیل، صالح المؤمنین و سایر فرشتگان است).

افشای این راز، چنان اهمیتی دارد که پروردگار برای تنبّه و اقدام به توبهٔ این دو همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، سرگذشت همسران حضرت نوح و لوط علیهما السلام را یادآور می‌شود؛ دو همسر پیامبری که به علت ایمان نیاوردن به همسرانشان و توبه نکردن، گرفتار عذاب دوزخ گردیدند:

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ﴾ (سوره تحریم، آیه ۱۰).

نکته قابل توجه و مغفول در برخی از تفاسیر فریقین، ارتباط راز مذکور با جملهٔ ﴿صالح المومنین﴾ است. منظور از عبارت مذکور چه کسی است و چه ارتباطی با آن راز دارد که پس از خداوند و جبرئیل، در مقابل آن دو زن قرار گرفته است؟ مگر با افشای آن راز، حقّی از او پایمال شده که در مقابل آن دو زن صف آرایی نموده است؟!

پی بردن به ارتباط مذکور می‌تواند در تطابق روایات شأن نزول با این آیات بسیار راهگشا باشد. به همین منظور ابتدا مصداق این عبارت قرآنی در منابع فریقین بررسی می‌شود و سپس ارتباط آن با راز افشا شده بیان می‌گردد.

۳-۱-۱. بررسی مصداق ﴿صالح المؤمنین﴾ در منابع فریقین

دانستنی است که عبارت ﴿صالح المومنین﴾ و عبارت «الصالح من‌المومنین» با هم تفاوت دارد. عبارت اولی با توجه به «ال» افادهٔ جنس می‌کند، ولی دومی تنها اراده فرد نموده و نمی‌تواند بیش از یک مصداق داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۹، ص۵۵۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

در منابع اهل سنت، دو دیدگاه عمده در بیان مصداق ﴿صالح المؤمنین﴾ وجود دارد: الف. ابوبکر و عمر ب. علی علیه‌السلام (زجاج،۱۴۲۱، ج۴، ص ۳۰۳)

دانشوران شیعه، بر اینکه مصداق عبارت قرآنی مذکور، حضرت علی علیه‌السلام است، اتفاق نظر دارند. (سید مرتضی،۱۴۳۱، ج۳، ص۴۰۳). لذا وجه مشترک فریقین در بیان مصداق ﴿صالح المؤمنین﴾، علی بن ابی طالب علیه‌السلام است. این دیدگاه در منابع معتبر اهل سنت از طریق چند نفر از صحابی و تابعین بیان شده است:

ابن عباس: (ابن مردویه، ۱۴۲۴، ص۳۳۶؛ ابن‌عساکر،۱۴۱۵، ج۴۲، ص۳۶۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج۲، ص۳۴۶)

حذیفه: (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵،ج۴۲، ص۳۶۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج۲، ص۳۴۹)

مجاهد: (ابن مغازلی، ۱۴۲۷، ص ۲۳۵)

زید بن ارقم: (قاضی نعمان، ۱۴۲۳، ص۲۹۱؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵،ج۴۲، ص۳۶۲)

اسماء بنت عمیس: (گنجی شافعی،۱۴۰۴، ج۱، ص۱۳۹؛ ابن مردویه،۱۴۲۴، ص۳۳۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج۲، ص۳۴۶)؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج۹، ص۳۴۹)

جعفر بن محمد علیه‌السلام: (گنجی شافعی،۱۴۰۴، ج۱، ص۱۳۹؛ آلوسی،۱۴۱۵، ج۱۴، ص۳۴۸)

ابن سیرین: (حسکانی،۱۴۱۱، ج۲، ص۳۵۱)

در برخی ازمنابع اهل سنت نیز روایاتی وجود دارد که حضرت علی علیه‌السلام منظور از عبارت قرآنی مذکور را خودشان معرفی نموده‌اند. بنگرید: (طبری،۱۳۸۷، ج۵، ص۷۷؛ ابن‌اثیر،۱۳۸۵، ج۳، ص۳۳۹؛ ثعلبی،۱۴۲۲، ج۹، ص۳۴۹)

این مطلب در منابع شیعه از طریق مختلف (صحابه، تابعین، امام باقر و امام صادق علیهماالسلام) بیان شده است. سید مرتضی از فحول علمای شیعه اعلام کرده که در میان دانشمندان شیعه بر این مطلب اتفاق نظر وجود دارد. (سید مرتضی،۱۴۳۱، ج۳، ص۴۰۳)

راویانی که در منابع شیعه این سخن را پذیرفته اند، به شرح ذیل هستند:

ابن عباس (فرات کوفی،۱۴۱۰، ص۴۹۱؛ حبری،۱۴۰۸، ص۳۲۵)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

زید بن ارقم (طوسی،۱۴۱۴، ص۲۵۲)

اسماءبنت‌عمیس (فرات‌کوفی،۱۴۱۰، ص۴۹۱؛ حبری،۱۴۰۸،ص۳۲۵؛ ابن‌عقده،۱۴۲۴، ص۲۱۷)

عمار بن یاسر (قمی مشهدی،۱۳۶۸، ج۱۳، ص۳۳۲)

ابو رافع(محمد بن سلیمان کوفی، ۱۴۱۲، ج۱، ص۳۹۲)

مجاهد (فرات کوفی،۱۴۱۰، ص۴۹۱)

قنبر، خدمتکار امیر مؤمنان علیه‌السلام (مفید،۱۴۱۳، ص۷۳)

رشید هجری (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۹۱)

امام محمد باقر علیه‌السلام (فرات کوفی،۱۴۱۰، ص۴۹۱)

امام صادق علیه‌السلام در بیان مراد از ﴿صالح المومنین﴾ فرمودند:

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دو مرتبه علی علیه‌السلام را به عنوان جانشین خود به مردم شناساند: یک بار وقتی آیهٔ ﴿...و صالح المومنین﴾ نازل شد و ایشان فرمودند ﴿صالح المومنین﴾ علی است، او پس از من "ولیّ" شماست. مرتبه دوم در واقعه غدیر بود؛ آن هنگام که دست ایشان را بالا برد و فرمودند: «من کنت مولاه فعلی مولاه » (قمی مشهدی،۱۳۶۸، ج۱۳، ص۳۳۲).

۳-۱-۲. بررسی ارتباط راز افشا شده با حضرت علی علیه‌السلام

مطابق شأن نزول چهارم، منظور از راز مذکور، دستور پروردگار به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر جانشینی بلافصل حضرت علی علیه‌السلام و اقدامات دیگران بر ضد این دستور الهی است.

افشای جانشینی امیرالمومنین و هر گونه اقدامی در مخالفت با آن، از یک طرف مخالفت با امر الهی است که واکنش پروردگار را به دنبال داشته و با جملهٔ ﴿انَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِیلُ﴾ تطابق کامل دارد. از طرفی دیگر ضربه زدن به حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام است که با جمله ﴿صالح المؤمنین﴾ تطابق دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

این شأن نزول، تنها شأن نزولی است که در آن، ارتباط بین «راز» در آیه سوم و عبارت ﴿صالح المؤمنین﴾ در آیه چهارم روشن است؛ چون تنها شخصی است که با افشای آن راز، حق الهی او که همان مقام جانشینی بلافصل رسول خداست، آسیب می‌بیند. حسادت، کینه‌های موجود و... موجب شد که با افشای قطعی بودن جانشینی آن حضرت، مخالفانش علیه او دست به اقدام زنند؛ تا به هر نحوی مانع از تحقق آن شوند.

بدین ترتیب تنها شأن نزولی که هم با سیاق آیات و هم با عبارت مذکورتطابق دارد و هم به شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جسارت نشده است، شأن نزول چهارم است.

اما این شأن نزول به دلایل نامشخص، از قرن ششم به بعد مورد غفلت واقع شده است؛ در حالی که شیخ مفید دیدگاه شیعه در مورد منظور از «راز» را مسأله جانشینی حضرت علی علیه السلام می‌داند، اما از دیدگاه اهل تسنن قضیه حفصه و ماریه را بیان می‌نماید. (مفید،۱۴۱۳، ص۷۳). با این وصف در مهم‌ترین تفاسیر شیعه از قرن ششم تا حال حاضر، این شأن نزول یافت نمی‌شود. (طبرسی،۱۳۷۲، ج۱۰، ص۴۷۴؛ ابوالفتوح رازی،۱۴۰۸،ج۱۹،ص۲۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج۵، ص۱۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۹، ص۲۳۰ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۲۴، ص۲۷۵)

پیامد این ذکر نشدن‌ها نکات زیر است:

الف. مراد از «راز مذکور» در هاله‌ای از ابهام بماند.

ب. برخی از محققان با مشاهده اشکال‌های موجود در سه شأن نزول اول (عدم تطابق با سیاق، جسارت به رسول خدا و...) چنین نتیجه بگیرند که هیچ یک از روایات تفسیری نمی تواند سبب نزول سوره تحریم باشد. (خامه‌گر، محمد،۷۳، ص ۱۳۹۲)

ج. چنین تصور شده که در منابع شیعه، شأن نزول مستقلی از منابع اهل سنت

وجود ندارد. (حسینی فاطمی، ۵۷، ص۱۳۸۵)

نتیجه‌گیری

بررسی روایان شأن نزول آیه ۳ و ۴ سورهٔ تحریم در منابع اهل سنت و منابع شیعی متأثر از آن (از قرن ششم به بعد) و تطابق آن با سیاق آیات حکایت از این دارد که روایات مذکور سه جریان را به عنوان زمینه های صدور راز و منظور از آن بیان می کنند که نه تنها با سیاق آیات، بلکه با شخصیت رسول خدا ﷺ در تضاد است. از طرفی مشاهده می‌شود که تنها شأن نزولی که هم با سیاق آیات و هم با شخصیت رسول خدا ﷺ تطابق داشته باشد، همان شأن نزولی است که منتسب به امام باقر و امام صادق علیهما السلام است؛ همان نکته‌ای که تا قبل از قرن ششم در کتب روایی و تفسیری متقدم شیعه وجود داشته و به عنوان دیدگاه شیعه مورد توجه عالمان شیعی بوده است، ولی از قرن ششم تا زمان حاضر، به یکباره اثری از آن در کتب تفسیری یافت نمی شود. در این شأن نزول منظور از راز رسول خدا ﷺ خلافت بلافصل علی علیه السلام از جانب خداوند، و اقدامات دیگران در کنار زدن ایشان از خلافت معرفی شده است. این تفسیر با عبارت﴿صالح المومنین﴾ که وجه مشترک تفاسیر فریقین در بیان مصداق آن حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام است، تطابق کامل دارد.

منابع

قرآن کریم، ترجمه انصاریان، حسین، (۱۳۸۳ش)، قم: اسوه.

ابن اثیر جزری، (۱۳۸۵ق)، ***الکامل فی التاریخ***، بیروت: دارالصادر.

ابن المغازلی، (بی‌تا)، ***مناقب الامام علی بن ابی‌طالب*** علیه السلام، بیروت.

ابن عساکر، (۱۴۱۵ق)، ***تاریخ مدینه دمشق***، بیروت: دارالفکر.

ابن عقده کوفی،(۱۴۲۴ق)، ***فضائل امیرالمؤمنین*** علیه السلام، تحقیق: حرزالدین، عبدالرزاق، قم: انتشارات دلیل ما.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

ابن‌مردویه، احمد بن موسی، (۱۴۲۴ش)، ***مناقب علی بن ابی طالب علیه‌السلام و ما نزل من القرآن فی علی***، قم:دارالحدیث.

ابوالفتوح رازی،(۱۴۰۸ق)، ***روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن***، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی***، بیروت:دار الکتب العلمیه.

ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، ***الکشف و البیان***، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حبری، حسین بن حکم، (۱۴۰۸ق) ،***تفسیر الحبری***، بیروت: موسسهٔ آل البیت(علیهم‌السلام) لإحیاء التراث.

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله،(۱۴۱۱ق)، ***شواهد التنزیل لقواعد التفضیل***، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسینی فاطمی سید علی، (۱۳۸۵ش)، «نقد و بررسی دیدگاههای موجود درباره افشای راز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در آیات ابتدایی سوره تحریم»، ***تاریخ در آیینه پژوهش***، شماره ۱۱.

حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، ***قرب الإسناد***، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

خامه‌گر محمد و سلمان زاده جواد،(۱۳۹۲ش)، «نقد و ارزیابی روایات شأن نزول سوره تحریم»، ***پژوهش-های قرآنی***، سال نوزدهم، پیاپی ۷۳.

زجاج، ابراهیم بن سری،(۱۴۱۶ق)، ***اعراب القرآن (زجاج)***، قم: دار التفسیر.

سید مرتضی،(۱۴۳۱ق)، ***نفائس التأویل***، تصحیح: موسوی، احمد، بیروت.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر،(۲۰۰۷م)، ***الاکلیل فی استنباط التنزیل***، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر،(۱۴۰۴ق)، ***الدر المنثور فی التفسیر بالماثور***، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

شیبانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق)، ***نهج البیان عن کشف معانی القرآن***، قم: الهادی.

صدیق‌حسن‌خان، محمدصدیق،(۱۴۲۰ق)، ***فتح البیان فی مقاصد القرآن***، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

طباطبایی، محمدحسین،(۱۳۹۰ق)، ***المیزان فی تفسیر القرآن***،بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

طبرانی، ***تفسیر القرآن العظیم(الطبرانی)***، (۲۰۰۸م)، اردن: دارالکتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تهران: ناصر خسرو.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]

طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، ***تاریخ الامم و الملوک***، بیروت: دار التراث.
طبری محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت: دار المعرفه.
طوسی، ***التبیان فی تفسیر القرآن***،(بی تا)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، ***امالی***، قم: دارالثقافه.
فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، ***التفسیر الکبیر(مفاتیح الغیب)***، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
فرات کوفی، ***تفسیر فرات الکوفی***، (۱۴۱۰ق)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
فقهی زاده، عبدالهادی و برزگر، محمد، *«جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم»*،(۱۳۹۶ش)، دو فصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، شماره ۱۷، ص ۸۵-۱۰۲.
فیض کاشانی،(۱۴۱۵ق)، ***تفسیر الصافی***، تهران: مکتبه الصدر.
قاضی نعمان مغربی، (۱۴۲۳ق)، ***المناقب و المثالب***، بیروت: اعلمی.
قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، ***الجامع لاحکام القرآن***، تهران: ناصر خسرو.
قمی، علی بن ابراهیم،(۱۳۶۳ق)، ***تفسیر القمی***، قم: دارالکتاب.
قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، ***تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب***، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
کوفی، محمد بن سلیمان، (۱۴۱۲ق)، ***مناقب الإمام امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب***علیه‌السلام، قم: مجمع إحیاء الثقافه الإسلامیه.
کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)،***الکافی***، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
گنجی شافعی، (۱۴۰۴ق)، ***کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب***، تهران: دار إحیاء تراث اهل البیت علیهم‌السلام.
مفید، محمد،(۱۴۱۳ق)، ***الإختصاص***، قم: کنگره شیخ مفید.
مفید، محمد،(۱۴۱۳ق)، ***المسائل العکبریه***، قم: کنگره شیخ مفید.
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، ***تفسیر نمونه***، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
نریمان، کیانوش، *«سرّ نهفته در آیه ۳ سوره تحریم با توجه به اسباب نزول در تفاسیر شیعه و سنی»*، (۱۳۹۶ش)، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، بندر عباس، دانشگاه پیام نور.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.3.4]